

هنگام ناپیدایی ماه، زهره، راه می نماید و معنای تأویلی زهره، فاطمه زهراء است، هم چنان که معنای تأویلی خورشید، رسول الله (صلی الله علیه وآله) و منظور از ماه، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می باشد. (4)

اشاره کردیم، کره زمین بحسب ظاهر و در واقع حسی با پرتو آفتاب و درخشش ماه و ستارگان و از جمله زهره، روشن می شود و با تابش نور آنها، زمین خاکی زنده می شود و جماد و گیاه و حیوان در آن رشد پیدا می کنند، اما در حقیقت و باطن امر، حیات طیبه و کمال انسانی با وجود مقدس محمد (صلی الله علیه وآله) و علی (علیه السلام) و زهراء (سلام الله علیها) ذریه ی مطهر او شکل می گیرد و تأمین می شود و این معنای تأویلی آن اسماء و عبارات می باشد.

سخن در این باره، بسیار گسترده تر از باید باشد و احادیث نبوی و روایات امامان اهل بیت، در آن زمینه، فراوان است و ما به اندکی اشاره می کنیم و می گذریم.

ماجرای اعتزال

هر چند که وجود محمد (صلی الله علیه وآله) بعد بشری دارد و او همانند انسان های دیگر از پدر و مادری و از طریق توالد و تناسل به عالم خاکی گام نهاده است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ. (فصلت، 41 / 6) بگو جز این نیست من بشری هستم همانند شما، که به من وحی می شود.» مع ذلک این وجود نازنین و نسل طیب او اصل بهشتی دارند.

علامه مجلسی روایت کرده:

جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل شد و گفت: خدایت بر تو سلام دارد و دستور می دهد چهل شبانه روز از خدیجه بر کنار باشی. و پیامبر (صلی الله علیه وآله) چهل روز و شب با روزه و نماز شب، سپری ساخت. پس از انقضای آن مدت، میکائیل مجمعه ای طعام با پوششی از سندس و یا استبرق جلو پیامبر (صلی الله علیه وآله) نهاد و جبرئیل گفت: خدایت فرمود: تو امشب با این طعام افطار می کنی و نزد خدیجه می روی. پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از تناول آن طعام بهشتی به خانه خدیجه رفت و در همان شب که نطفه ی زهرا (سلام الله علیها) در صلب محمد (صلی الله علیه وآله) قرار گرفته بود به رحم خدیجه انتقال یافت. (5)

پس فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عنصری بهشتی است و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) منزلتی و الا برای او قابل بود. زهرا (سلام الله علیها) تربیت شده دامن وحی، و خود قرآن مجسم بود و در حدیثی دیگر آمده، پیامبر فرمود:

وقتی مرا به آسمان ها عروج دادند. جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت کرد و رطبی به من داد و من آن را تناول کرده و خوردم و آن تبدیل به نطفه شد و در صلب، قرار گرفت وقتی به زمین فرود آمدم خدیجه به فاطمه بار دار شد و فاطمه، حوراء، انسیه و انسان بهشتی است. (6)

فاطمه زهراء و قرآن

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: قلب و جوارح دخترم فاطمه زهراء از سر تا قدم مشحون از ایمان است او در اطاعت خدا بود و اوقاتش را با تلاوت قرآن می گذرانید و به مضامین آن عمل می کرد. (7)

وقتی آیه ی «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»؛ (نور، 24 / 63) رسول الله (صلی الله علیه وآله) را در میان خود آن گونه که یکدیگر را صدا می کنید، بخوانید، نازل شد، فاطمه زهراء گفت: بیم داشتم که رسول الله (صلی الله علیه وآله) را پدر جان صدا کنم و من هم مانند دیگران، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) صدا می کردم. یکی دو بار چیزی نفرمود اما بعدها رو به من کرد و فرمود: ای فاطمه! این آیه درباره ی تو و ذریه ات نازل نشده، تو از من و من هم از تو هستم، مرا پدر جان، صدا کن که مرا چنان خواندن، شاد و پرودگار را خشنود و راضی می گرداند. (8)

به روایت شیخ صدوق (ره) در عرصه قیامت، فاطمه زهراء (سلام الله علیها) از صراط می گذرد وقتی در بهشت قرار گرفت و کرامت الهی را در حق خویشتن دید این آیه را تلاوت می کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر، 34/35)؛ «ستایش خدا را که اندوه از ما برد. پروردگار ما بسیار بخشنده و شکرگزار است. آن خدایی که از فضل خود ما را در این اقامتگاه جاودانی، قرار داد و ما را در آن، خستگی و رنج نرسد.» خدا به آن بانوی بزرگوار وحی می کند و می فرماید: ای فاطمه! هر چه خواهی می دهمت و هر آرزویی داری برآورده ساخته، خشنودت می نمایم. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عرض می کند: الهی تو نهایت آرمان و بالاتر از هر آرزویی، از تو می خواهم که دوستان من و عترت و خاندان مرا با آتش، عذاب نکنی. خدا به او وحی فرماید: ای فاطمه! به عزت و جلال و بلندی مرتبه و مقام دو هزار سال قبل از خلقت آسمان ها و زمین، سوگند یاد کرده ام که دوستان تو و دوستان عترت تو را با آتش عذاب نکنم. (9)

باید دانست که معنای مهر و محبت زهرا چیست؟ فقط یک لفظ و یا ادعای محض نیست و بی شک شرایط و مراتبی دارد که رعایت آنها چندان هم آسان نیست، هر چند که در چهار چوب تقوا و پارسایی و ملاحظه ی حرام و حلال الهی خیلی هم مشکل نیست و در یک کلام، اطاعت خاص و زهرایی می طلبد.

زهرا (سلام الله علیها) در آینه ی قرآن

در کتب تفسیر و حدیث، در تشریح معانی قرآنی، مطالبی پیرامون ابعاد وجودی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و تبیین شخصیت او، آمده و آن حضرت در معانی تنزیلی آیات و تأویلی آنها، تجلی دارد.

آیه های در بعد تنزیل

آیه ی مباحله و آیه ی تطهیر دو نمونه هستند که در آیه ی نخست، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تنها مصداق موردی از آن و در دومین آیه، از جمله مصادیق تنزیلی به حساب می آید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران، 3 / 61)؛ پس هر کس در آن باره (حق) با تو بحث و بگو مگو کرد پس از آن که آگاهی از حقیقت پیدا کرده ای بگو بیایید پسران ما و پسران شما، زنان ما و زنان شما و خودمان و خودتان را فرا خوانیم، آنگاه دست به دعا برداشته نفرین خدا را بر کافران نثار کنیم. مفسران اتفاق نظر دارند که تنها مصداق «نساءنا» در این آیه، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است زیرا در آن جمع جز آن حضرت بانوی دیگری از مسلمانان حضور نداشته است. فخر رازی می نویسد:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حسین (علیه السلام) را بغل کرد و دست حسین (علیه السلام) را بگرفت و فاطمه (سلام الله علیها) از پشت سر و علی (علیه السلام) به دنبال حرکت کردند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود هر گاه من دعا کردم شما آمین بگویید. اسقف نجران تا این جمع را دید خطاب به نصرانیان گفت من صورت هایی می بینم که اگر آنان از خدا بخواهند او کوهی را از بن بکند و از بین ببرد، چنان می کند که آنان می خواهند. مبدا مباحله نمایید که از بین خواهید رفت. (10)

پس مصداق تنزیلی کلمه «زنان» در این آیه فاطمه (سلام الله علیها) است و بس. اما آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، 33 / 33)؛ جز این نیست، خدا می خواهد از شما اهل بیت، پلیدی و آلودگی را بزدايد و پاک و پاکیزه تان سازد. ام سلمه همسر پیامبر گفت: فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با پارچه ای حریر نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمد پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او فرمود: شوهر و فرزندان را هم صدا کن بیایند. همه شان آمدند و طعامی خوردند، آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ملافه ای خیبری بر رویشان انداخت و عرضه داشت:

خدایا! اینان عترت و اهل بیت من هستند، پلیدی و ناپاکی را از ایشان ببر و پاکیزه شان فرمای. (11) پس محمد (صلی الله علیه وآله) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) دخت گرامی او، علی امیر المؤمنین همسر زهرا (سلام الله علیها) و امام حسن و امام حسین (علیه السلام) پنج تن، مصداق تنزیلی این آیه مبارکه می باشند. فخر رازی می نویسد:

اقوال در «اهل بیت» مختلف است. بهتر است گفته شود: آنان، فرزندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و همسران اویند و حسن و حسین هم از ایشانند و علی هم از آنان است زیرا او به سبب معاشرت و آمیزش با دختر او و به علت ملازمت با پیامبر (صلی الله علیه وآله) از اهل بیت محسوب می گردد. (12)

نگارنده گوید: حمد و سپاس خدا را که پیشوای اهل شک و تردید نتوانسته منکر آن شود که علی (علیه السلام) و زهرا (سلام الله علیها) مصداق آیه ی تطهیرند. و هر چند که وجود زهرا (سلام الله علیها) در آیه ی تطهیر و حدیث ام سلمه محور است اما فخر رازی از فاطمه زهرا نام نبرده و به عنوان کلی «اولاد» اکتفا کرده و از علی (علیه السلام) هم با لیت و لعل نام برده و بالاخره مسئله به خیر خاتمه یافته است. این وضع را همپالگی های او از

مفسران غیر شیعی هم دارند و به دخول همسران در آیه ی تطهیر اصرار ورزیده و سخنان بی حاصل گفته اند.
(13)

آیه های تأویلی

مفسران محدث به استناد روایات اولیای معصوم، برخی آیه های ذکر حکیم را بر حضرت زهرا (سلام الله علیها) منطبق دانسته و آن بزرگوار را احیاناً مصداق تأویلی آن سلسله آیات معرفی کرده اند. در حدیث بریده آمده: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: مریم به ولادت فرزندش بشارت داده شده و من به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ولادت حسن و حسین (علیه السلام) را بشارت دادم، سپس فرمود: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» (زخرف، 43 / 28) و آن را کلمه ای ماندگار و جاویدان در پشت وی قرار داد.

در دنباله ی همین حدیث چنین آمده است: پیامبر (صلی الله علیه وآله) در ولادت هر یک از حسن و حسین (علیه السلام) به فاطمه بشارت و مژده می داد و می فرمود: مبارک باد تو را ولادت امامی که آقای اهل بهشت شود و خدا در تکمیل آن فرمود: و او را کلمه ای ماندگار در پشت و نسل او یعنی علی (علیه السلام) قرار داد.
(14)

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در یکی از غزوات خواست وکیلی برای علی (علیه السلام) بگیرد آیه نازل شد: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا» (مزل، 73 / 9)؛ پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست پس او را وکیل بگیر. (15)

از ابن عباس روایت شده که آیه ی: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (الرحمن 55 / 19-20)؛ «دو دریا را به هم آویخت و آنها به هم رسیدند... درباره ی فاطمه (سلام الله علیها) و علی (علیه السلام) نازل شده است.»

و خدا فرمود: من خدا هستم دو دریا را فرستادم: علی دریای علم و فاطمه دریای نبوت و آنها به هم می پیوندند و میانشان وصلت برقرار می گردد و حاصل آن پدید آمدن لؤلؤ و مرجان است. ای جن و انس به کدامین نعمات الهی منکر هستید: ولای علی و مهر و محبت فاطمه و مراد از لؤلؤ، حسن است و مقصود از مرجان، وجود حسین (علیه السلام) می باشد. (16)

و سوره ی مبارکه «هل اتی» در شأن اهل بیت نزول یافته و در آن انواع نعمت های بهشتی یاد شده جز حورالعین، که به احترام زهرای اطهر ذکری از آنها به میان نیامده است. (17)

ابن عباس در ذیل آیه: «لَا يَزُونَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا» (انسان، 76 / 13)؛ «در آن، نه آفتاب و نه سرما نیبند»، روایت کرد که:

بهشتیان پس از استقرار در بهشت نوری می بینند که به شدت درخشد. می پرسند: خدایا! تو در کتاب نازل بر پیامبر ت محمد (صلی الله علیه وآله) فرمودی، که در بهشت از آفتاب یا سرما خبری نخواهد بود. ندا کننده ای پاسخ دهد این، نور خورشید و یا ماه نیست بلکه علی (علیه السلام) و فاطمه از چیزی در شگفت شدند و خندیدند و بهشت از نور حاصل از آن، روشن گردید. (18)

در داستان مریم آمده است: ... خدا او را به نیکی پذیرا شد و نیکو پرورش داد و کفالت او را به زکریا واگذاشت. هر گاه زکریا در محراب بر مریم وارد می شد نزد او طعامی می یافت، می پرسید ای مریم! این طعام از کجاست؟ گفت: از نزد خدا، او هر که را بخواهد روزی بی حساب دهد. جابر بن عبدالله حدیث کرد که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چند روزی طعام نخورده بود، به خانه های همسرانش سر زد چیزی نیافت به خانه ی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) آمد (قصه طولانی است) ظرفی پراز طعام دید که بخارش بلند بود. پرسید ای فاطمه (سلام الله علیها)! این طعام از کجاست؟ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گفت: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران، 37 / 3)؛ آن از نزد خدا است، همانا خدا هر که را بخواهد روزی بی حساب دهد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: حمد و سپاس خدا را که مرا آن قدر زنده نگاه داشت تا از دخترم فاطمه آن بینم که زکریا از مریم دید. (19)

و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که مراد از آیه ی: «وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى» (لیل، 92 / 3-4) و قسم به آن مرد و زنی که خدا آفرید، کوشش هایتان مختلف است. و مرد و زن مذکور در آن، علی بن ابیطالب (علیه السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می باشند. (20)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بعد از رحلت پدرش هفتاد و پنج روز برای او می گریست. جبرئیل می آمد و او را از حال پدر آگاه می ساخت و به وی تسلی می داد. و از حوادث آینده می گفت و علی (علیه السلام) هم تمام را می نوشت و این است معنای تأویلی: «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي» (مریم، 19 / 24) پس او را از پایین صدا می کرد: غمگین مباش. (21) عمار یاسر هم گفت: که در آیه ی: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» (آل عمران، 3 / 195)؛ پروردگارشان به ایشان جواب داد: من کار هیچ مرد و زنی را که عملی انجام دهند، تباہ نمی سازم، مراد از زن و مرد مذکور در آن علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) می باشد. (22)

از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که: پیامبر (صلی الله علیه وآله) فاطمه زهراء (سلام الله علیها) را با یک رو انداز و پتویی از پشم شتر، دید که با یک دست آسیاب می گرداند و همزمان طفل خود را شیر می دهد. با دیدن این صحنه اشک در چشمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) حلقه زد و فرمود: دخترم تلخی دنیا را با حلالت و شیرینی آخرت، پیشاپیش برگزیده ای. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) خدا را بر نعمت هایش و موهبت ها و عطاهايش حمد و سپاس. آنگاه آیه نازل شد: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی، 93 / 5)؛ بعدها پروردگارت آن قدر دهد که راضی شوی. و این معنای تأویلی آیه در مورد زهرا (سلام الله علیها) می باشد. (23)

تجلی قرآن در خانه زهرا (سلام الله علیها)

عمر فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خیلی کوتاه بوده هر چند از حیث کیفیت، حیاتی پر بار داشته است با انجام وظیفه مهر آمیز، برای پدر از خردسالی تا بعد و امر شوهر داری و به دست آوردن رضایت امیرالمومنان در امر همسر داری و با تربیت نیکو و پسندیده در مورد فرزندان بزرگوار اعم از دختر و پسر، با آن رعایت عدالت رفتاری با

خدمتکار خانه اش فضا، که یک روز در میان، خود او و روزی دیگر فضا به کار خانه می پرداخته است، برخلاف خانه اشراف و مردمان دنیا خواه که حتی برای خادم و کارگر، مجال اندیشیدن هم نمی دهند و از همین اوضاع معلوم می شود که خانه فاطمه زهرا، خانه ی قرآنی بوده و صحنه صحنه، معارف والای قرآن به عمل می آمده است. کافی است داستان ذیل را بخوانیم و مقاله را با آن به پایان ببریم و دانستی هایی از آن بیاموزیم.

مردی می گوید در صحرا از قافله عقب ماندم و در راه به بانویی برخورددم. پرسیدم: کیستید؟ در جواب من گفت: «وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (زخرف، 43 / 89) یعنی اول سلام سپس کلام و پرسش. سلامی گفتم باز پرسیدیم: شما در این جا چه کار می کنید؟ در پاسخ گفت: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ» (زمر، 39 / 37) هر که را خدا هدایت کند، گمراه کننده ای برای او نیست، یعنی راه را گم کرده ام. پرسیدم تو انسان هستی یا پری؟ جواب داد: «بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ» (اعراف، 7 / 31) ای فرزندان آدم آراسته باشید، یعنی از اولاد آدم می باشم.

گفتم از کجا می آیید؟ گفت: «يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ» (فصلت، 41 / 44) از جای دور صدا می شوند، یعنی از جای دور می آیم. پرسیدم مقصدتان کجاست؟ گفت: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (آل عمران، 3 / 97) و برای خداست بر عهده ی مردم حج خانه . یعنی به زیارت خانه خدا می روم، پرسیدم: چند روز است در راه مانده اید؟ پاسخ داد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»، (ق، 50 / 38) همانا ما آسمان ها و زمین را در شش روز آفریدیم . یعنی شش روز است از قافله عقب مانده و گم شده ام. گفتم میل به طعام دارید؟ گفت: «وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ» (انبیاء، 21 / 8) و ما آنان را کالبدی قرار ندادیم که طعامی نخورند. یعنی میل به غذا دارم. گفتم پس بدوید و شتاب کنید . در جواب گفت: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ (بقره، 286 / 286) خدا هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند. یعنی توان چنان کاری را ندارم. گفتم بر ترک مرکب من سوار شوید تا شما را به مقصد برسانم. گفت: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»؛ (انبیاء، 21 / 22) اگر در آنها خدایانی بود جز الله، تباه می شدند یعنی من و تو نامحرم و بیگانه از هم هستیم و ردیف هم سوار شدنمان مصلحت نیست. از مرکب خود پایین آمدم و او سوار شد و گفت: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا»؛ (زخرف، 43 / 13) پاک و منزّه است آن که این مرکب را برای ما رام کرد. وقتی به کاروان نزدیک شدیم. پرسیدم آیا شما در این کاروان آشنایی دارید؟ گفت: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص، 38 / 26)؛ ای داود ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم. یعنی پسر داور است.

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ» (آل عمران، 3 / 144)؛ محمد نیست مگر فرستاده ی خدا، یعنی پسر دیگر محمد می باشد. «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم، 19 / 12)؛ ای یحیی با تمام نیرو کتاب را بگیر، یعنی نام پسر سوم من یحیی است. «يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ» (قصص، 28 / 30) ای موسی من خدایم، و نام چهارمین پسر موسی است. آن بانو این چهار اسم را خواند ناگهان چهار جوان از قافله به سوی او حرکت کردند. پرسیدم اینها کیستند. فرمود: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف، 18 / 46)؛ دارایی و پسران، آرایش حیات دنیوی است. وقتی آن چهار نفر پسران او به وی رسیدند گفت: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص، 28 / 26) ای پدر او را اجیر کن که آن بهترین اجیر نیرومند و امانت کار است. پسران آن بانو چیزهایی به من دادند. او گفت: «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (بقره، 2 / 261) و خدا برای هرکس بخواهد چند برابر دهد. و به دنبال این آیه آن مردان عطایی مضاعف به من دادند. از آن مردان پرسیدم این بانو کیست؟ گفتند: او فضا مادر ما و خدمتکار فاطمه زهراء است و بیست سال است که او جز با تلاوت آیات قرآن، کسی را جواب نمی دهد. (24) راستی که فاطمه زهرا اسوه ی انسانیت و کمال است و مس وجود را همین فضا او طلا می کند.

1. سوره ی ابراهیم، آیه ی 24، البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، 2 / 23 و 311.
2. تفسیرشبر، ذیل آیه .
3. سفینه البحار، 1 / 572 و بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، 24 / 80.
4. بحار الانوار، 24 / 74.
5. الانوار البهیة، قمی / 41، به اختصار.
6. بحار الانوار، 43 / 42.
7. المناقب، ابن شهر آشوب، 3 / 337.
8. مستدرک سفینه البحار، 8 / 240.
9. بحار الانوار، 27 / 140 و 141.
10. تفسیر کبیر، 8 / 80.
11. مجمع البیان، 8-7 / 357 .
12. تفسیر کبیر، 25 / 209.
13. ر.ک: آلوسی، روح المعانی و اسماعیل حقی، روح البیان و جز آنها.
14. المناقب، 3 / 359 و 358.
15. همان / 325.
16. همان / 319.
17. همان / 325.
18. همان / 329.
19. همان / 339 و 360، با اندک تفاوت .
20. همان / 320.
21. همان / 337.
22. همان / 319 و 320.
23. همان / 342.
24. همان / 343 و 344.